

1-Review

Context

فکر نمی کنم شما اجازه داشته باشی از سمت راست توی این جاده ها سبقت بگیری.

I don't think you are allowed to take over the cars on the right

علامتی اینجا است که چنین می گه.

There is sign here that says so.

من اصلاً متوجه اخطار شما نشدم.

I never even noticed your warning.

من تازه اینجا استخدام شدم، درست نمی دونم اجازه دارم بیشتر از سه روز مرخصی بگیرم یا نه.

I have just been employed here; I wonder whether I'm allowed to take over 3 days off or not.

شما بهتره با پدرت چک کنی اون همه چیه می دونه.

You had better check with your father, he knows everything in details.

اجازه دارین تو موزه عکس بندازین؟

Are you allowed to take pictures in museums?

کاری دیگه ای از دستم برمیاد؟

Is there anything else I can help you with?

از دستت دلخورم دفعه قبلی که دیدمت مگه نگفتی ما اجازه نداریم اینجا ماهواره نصب کنیم؟

I'm really annoyed with you, last time I saw you didn't you tell me we weren't allowed to set satellite here?

کوری؟ علامتی اینجا است که چنین میگه.

Are you blind? There is sign here that says so.

یه نگاه بهش بنداز.

Take a look at it.

د بیا!

Well now!

من اصلاً متوجه حضور مادرت نشدم.

I never even noticed your mother's presence.

فکر نمی کنم شما اجازه داشته باشید بدون حکم بازرسی بریزین تو خونه ی من.

I don't think you are allowed to break into my house without the search warrant.

پدرتون بهتون اجازه میده شب تا دیروقت بیرون بمونین؟

Does your father allow you to stay out late?

فکر نمی کنم اون اجازه مهمونی گرفتن اینجا رو بده ولی بهتره باهاش چک کنی.

I don't think she allows taking a party here.

مطمئنی ما اجازه داریم به حیوونا غذا بدیم؟

Are you sure we are allowed to feed the animals?

چطور امکان داره اون به تو اجازه داده باشه جلسه رو اینجا برگزار کنی؟

How could she have allowed you to hold a meeting here?

فکر نمی کنم شما اجازه داشته باشید بدون حضور رییس هیئت مدیره جلسه رو برگزار کنی.

I don't think you are allowed to hold a meeting without chairman's presence.

من تا الان سه بار این قضیه رو چک کردم. نوشته ای این جا هست که چنین می گه.

I have already checked it 3 times; there is a written sentence here that says so.

فکر نمی کنم شما اجازه داشته باشید حیوونارو اذیت کنی.

I don't think you are allowed to tease the animals.

دیشب که باهات صحبت کردم مگه نگفتی می خوام شام تو بیرون بخوری؟

Last night I spoke with you, didn't you tell me you were gonna eat out?

پس چی شد گرسنه موندی؟

Whatever made you stay hungry?

لب مطلب اینکه من پی بردم که ما اجازه نداریم بدون هماهنگی شما مذاکره کنیم با این شرکت

What it boils down to is that I found out we were not allowed to negotiate with this company without your **coordination**.

فکر نمی کنم اجازه داشته باشی بدون نوبت بری توی صف.

I don't think you are allowed to **jump in to the line**.

2-You mustn't under any circumstances use the fireplace

Context

take place رخ دادن
happen اتفاق افتادن

قبل از بستن قرارداد می‌خواهی با یه نفر مشورت کنی؟

rent اجاره کردن
let اجاره دادن
lease اجاره نامه
er سازنده اسم فاعل
interviewer, employer, leter ,موجر
ee سازنده اسم مفعول
interviewee, employee, letee مستاجر

Before you conclude the contract, would you like to consult with anyone?

قبل از بستن قرارداد، می‌خواهی بری خونه و روش فکر کنی؟

Before you conclude the contract, would you like to go home and sleep on it?

قبل از بستن قرارداد، می‌خواهی یه نگاه بهش بندازی؟

see دیدن
look at نگاه کردن
take a look at نگاه انداختن

Before you conclude the contract, would you like to take a look at it?

ایرادی داره ازت بخوام یکم بیشتر در مورد قرارداد توضیح بدی؟

Do you mind if I ask you to explain a bit more about this contract?

همه چی رو بهت توضیح می‌دم، قبل از فسخ قرارداد می‌خواهی قرارداد قبلی رو بررسی کنی؟

I am explaining everything for you, before you terminate the contract, would you like to look into the previous contract?

قبل از تمدید قرارداد، می‌خواهی شرایطم رو بدونی؟

Before you renew/repeat the contract, would you like to know my conditions?

بعد از مرگ پدرت چقدر ارث گرفتی؟

How much have you inherited after your father's death?

been به من یه میلیون دلار ارث گرفتم.

I have been inherited one million dollars.

قبل از اینکه وصیت کنی می‌خواهی با وکیل مشورت کنی؟

Before you make a will would you like to consult with your lawyer?

قبل از اینکه پدرت رو توی بیمارستان بستری کنی، می‌خواهی معاینه اش کنی؟

Before you lay up your father in the hospital, would you like to examine him?

examine != examine

با رئیس به قرار گذاشتم.

I have **made an appointment** with the chairman.

set
قبل از مذاکره با کمپانی، می‌خوای شرایط من رو بدونی؟

Before you negotiate with this company, would you like to know my conditions?

متأسفانه چک برگشت خورده، قبل از حواله پول به حسابم میخواهی حسابت رو چک کنی؟

Unfortunately, your check has been bounced; before you remit the money in my account would you like to check your account?

اجازه داریم آپارتمان رو اجاره به غیر بدیم؟

Are we allowed to **sublet** the flat?

اجازه داریم قرارداد رو قبل موعد مقرر ختم کنیم؟

Are we allowed to terminate the contract by the due time?

اجازه داریم قرارداد رو خارج آژانس املاک تمدید کنیم؟

Are we allowed to repeat the lease out of a **real** estate agency?

دیروز یادم رفت از صاحبخونه بپرسم.

I forgot to ask the question **from** my landlord yesterday.

درست نمی‌دونم اجازه دارم اینجا رو به غیر اجاره بدم یا نه؟

I wonder whether **I am** allowed to sublet here **or** not.

قالب پرتکرار

با این حال، بهتره با صاحبخونه ات چکش کنی.

Then again, you had better check it with your landlord.

اجاره به غیر مجاز نیست.

Subletting isn't permitted.

متأسفانه اجاره به غیر مجاز نیست.

I am afraid subletting isn't allowed.

چهار قالب درس قبل رو میتونی با
هم بگی permitted
هیچ فرقی نداره فقط این رسمی تره

متأسفانه فراموش کردم یسری چیزها بهت رو بگم، متأسفانه گرفتن مهمونی توی این ساختمان مجاز نیست.

I am afraid I have forgotten to tell you something, taking a party in not allowed in this building.

متأسفانه، اون نکته در فرمتون نوشته شد، داشتن همراه مجاز نیست.

I am afraid that point has been written in your form, having an accompanier is not allowed.

تا دم در همراهیت می کنم.

I am showing you to the door.

که اینطور، از شومینه می شه استفاده کرد؟

I see, is it alright to use the fireplace?

می شه درب رو قفل کنی؟

Is it alright to lock the door?

از اونجایی که آسانسور دیروز خراب بود، می شه ازش استفاده کرد؟

Since the elevator was out of service yesterday, is it alright to use the elevator?

می شه از پله برقی استفاده کرد؟

Is it alright to use the escalator?

می شه از راه پله استفاده کرد؟

Is it alright to use the staircase?

می شه اینجا پارک کرد یا متعلق به معلولین هست؟

Is it alright to park here or it belongs to disables?

می شه غذا رو سفارش داد؟

Is it alright to order the food?

می شه از ای تی ام استفاده کرد؟

Is it alright to use the ATM?

is it alright to do something? vs could you do something? همیشه این کارو کنی

تفاوت ها:

سمت راستی همیشه خواهش و درخواست برای انجام کار است

سمت چپی همیشه اجازه گرفتن است

am i allowed to/is it alright to

سمت چپی کتابی و فرمال است سمت راستی اینفرمالتره

می شه مقداری پول از ای تی ام برداشت کرد؟

Is it alright to withdraw any money at this ATM?

می شه این کرم رو به هواپیما برد؟

Is it alright to carry this cream on the plane?

همیشه با جمله منفی می آید تحت هیچ شرایطی نباید از شومینه استفاده کنی.

You mustn't under any circumstances use the fireplace.

داشت یادم می رفت بذاریه چیزهایی بهت بگم، همکارم همش توی اداره گوش وا می ایسته.

I almost forgot let me tell you something, my colleague is always overhearing in the office.

شما تحت هیچ شرایطی با هیچ کسی نباید در این زمینه صحبت کنی، خیلی محرمانه هست.

You mustn't under any circumstances speak to anyone in this respect, it's very confidential.

شما محاصره ای، نمی تونی تحت هیچ شرایطی فرار کنی.

You are surrounded; you can't under any circumstances run away.

شوهر من خیلی شکمو هست، نمی تونه تحت هیچ شرایطی خوردن را قطع کنه.

My husband is very greedy; he can't under any circumstances stop eating.

قول می دم آنها تحت بازرسی بدنیت می کنن، نباید تحت هیچ شرایطی اسحله رو ببری.

I promise they will search your body; you mustn't under any circumstances carry your gun.

تازه سرپا شدی، نباید تحت هیچ شرایطی بخیه هات رو تحت فشار قرار بدی.

You have just been up and about; you mustn't under any circumstances overuse your stiches.

شما نباید تحت هیچ شرایطی قرارداد رو تغییر بدی.

you mustn't under any circumstances change the contract.

مسئول این پرونده منم.

I am in charge of this file.

همه کاره این شرکت منم و شما تحت هیچ شرایطی نمی تونی توی شغلم دخالت کنی.

I run the show in this company and you can't under any circumstance interfere my job.

همه کاره اینجا کیه؟

Who runs the show here?

نمی تونی تحت هیچ شرایطی توی زندگیم دخالت کنی.

You can't under any circumstance poke your nose into my life.

تحت هیچ شرایطی نمی تونی مفاد قرارداد رو عوض کنی.

You can't under any circumstance change the premises of the contract.

می شه از شومینه استفاده کرد؟

Is it alright to use the fireplace?

شما تحت هیچ شرایطی نمی تونی از شومینه استفاده کنی، اون متعلق به طبقه دو هست.

You can't under any circumstance use the fireplace; it belongs to the second floor.

Vocabulary

رخ دادن

Take place

اجاره گرفتن

Rent

اجاره دادن

Let

موجر

Lessor/ letter

مستأجر

Tenant/ lessee

قرارداد

Lease

یه نگاه انداختن

Have a look /take a look

روی چیزی فکر کردن

Sleep on something

بررسی کردن

Look into

وصیت

Will

ارث بردن

Inherit

ارثیه

Inheritance

نوشتن وصیت

Write the will

وصیت کردن

Make a will

وکیل مدافع

Advocate

وکیل دادگاه

Attorney

وکیل حقوقی

Barrister

وکیل مدافع

Solicitor

وکیلی که دفتر دارد

Lawyer

برگشت خوردن چک

Bounce

اجاره به غیر

Sublet

همراه

Accompanier

همراهی کردن کسی تا جایی

To show someone to somewhere

راه پله

Staircase

گوش و ایستادن

Overhear

متعلق بودن به

Belong to

محرمانه

Confidential

فرار کردن

Run away

سختی کشیدن/سعی کردن

Strive

فشار آوردن

Overuse/set and strive

بخیه

Stich

دخالت کردن

Interfere/ poke your nose into something

مفاد

Premises

می خوای بری خونه و روش فکر کنی؟

Would you like to go home and sleep on it?

تا دم درب همراهیت می کنم.

I am showing you to the door.

نمی تونی تحت هیچ شرایطی توی زندگیم دخالت کنی.

You can't under any circumstance poke your nose into my life.

Conversation text

A: Before you sign the lease, have you got any questions?

B: Yes, are we allowed to sublet the flat?

A: No, I am afraid. Subletting isn't permitted.

B: I see, well is it alright to use the fireplace?

A: You mustn't under any circumstances use the fireplace.

B: Well, do you allow people to have pets?

A: No that's out of the question. We don't allow anyone to have pets.

B: How about parking in front of the building?

A: I'm sorry. You are not supposed to park in front of the building. And before I forget, I should mention that you cannot alter the premises in anyway without permission. Have you got any other questions?

B: No, I think you have answered them all.

3-You cannot alter the premises in anyway without permission

Context

خب، به کسی اجازه داشتن حیوان خانگی رو می دین؟

Well, do you allow people to have pets?

اجازه داشتن حیوان خونگی رو می دین؟

Do you allow having pets?

به کارمندانتون اجازه گرفتن مرخصی ساعتی وسط روز رو می دین؟

Do you allow your **clerks** to get hours off **in the middle of the day**?

اجازه گرفتن مرخصی ساعتی رو وسط روز می دین؟

Do you allow getting hours off in the middle of the day?

به دانشجویان اجازه حفظ کردن مکالمات از طریق نوشتن رو می دین؟

Do you allow your students to **memorize** the conversations **through** writing?

اجازه حفظ کردن مکالمات رو از طریق نوشتن می دین؟

Do you allow your memorizing the conversations through writing?

به مشتریانتون اجازه پرو کردن لباسهای زیر رو می دین؟

Do you allow your **customers** to try on the **under wears**?

اجازه پرو کردن لباس های زیر رو می دین؟

Do you allow trying on the under wears?

به کسی اجازه می دین توی ماه رمضان چیزی بخوره؟

Do you allow anyone to eat in **Ramadan**?

این که سؤال نداره.

That's out of the question.

فکرش رو نکن.

Perish the thought.

به کسی اجازه نمی دیم که حیوان خونگی داشته باشه.

We don't allow anyone to have pets.

ما اجازه داشتن حیوان خانگی رو نمی دهیم.

We don't allow having pets.

ما به کسی اجازه نصب تابلو رو نمی دهیم.

We don't allow anyone to hang the tableau here.

من سر کلاس به کسی اجازه خمیازه کشیدن رو نمی دم.

I don't allow anyone to yawn in the class.

ما به معلولین اجازه نشستن کنار خروجی رو نمی دهیم.

We don't allow any disable passenger to seat at exit.

پارک کردن جلو ساختمون چطور؟

How about parking in front of the building?

پس من چی؟

What about me?

پس تو چی؟

What about you?

با یه مسافرت چطوری؟

How about a trip?

با رفتن به سفر چطوری؟

How about going on a trip?

با یه تیکه کیک چطوری؟

How about a piece of cake?

با خوردن شام بیرون چطوری؟

How about eating dinner out?

با گرفتن مهمونی در این ساختمون چطوری؟

How about taking a party in this building?

فقط با اسم میاد
what about
هم با اسم هم با فعل (به صورت اینک)
how about
میاد
در حالتی که هر دو با اسم بیان فرقشون چیه؟؟
اولی: پس فلان چی؟
نظر طرف مقابل رو نمیپرسی
دومی: پس فلان چطور؟
معنی دوم: نظر طرف مقابل رو میپرسی، با فلان چطوری؟ (با
یک تیکه کیک چطوری؟)
مثلاً: دوست به همه بچه ها شیرینی میده ولی به تو نمیده تو
what about me? میگی
مثلاً دوست میکه داداشت خیلی ادم خوبیه بعد تو میگی
how about me?

نصب کردن ماهواره در اینجا چگونه؟

How about setting a satellite in here?

قرار نیست جلوی ساختمان پارک کنی.

You are not supposed to park in front of the building.

قرار نیست فردا روزه بگیری.

You are not supposed to go on a fast tomorrow.

قرار نیست اینجا همراه داشته باشی.

You are not supposed to have an accompanier here.

ارتباط با شرکتهای خارجی چگونه؟

How about **communicating** with the foreign companies?

شما قرار نیست با این شرکت مکاتبه داشته باشی.

You are not supposed to correspond with this company.

و قبل از اینکه یادم بره، بهتره متذکر بشم نمی تونی به هیچ وجه مفاد رو تغییر بدی.

And before I forget, I should mention that you cannot **alter** premises **in any way**.

قبل از اینکه این سخنرانی رو تمومش کنم

عوض کردن change
تغییر دادن alter

Before I **end up** this **lecture**

قبل از اینکه فراموش کنم بهتره گواهییش کنم

Before I forget I should **certify** that

و قبل از اینکه یادم بره، بهتره متذکر بشم نمی تونی به هیچ وجه مفاد رو تغییر بدی.

And before I forget, I should mention that you cannot under any circumstances alter the premises.

قبل از اینکه قرارداد رو فسخ کنیم بهتره متذکر بشم که به هیچ وجه نمی تونی با این شرکت ارتباط برقرار کنی.

Before I terminate the contract, I should mention that you can't communicate with this company in any way.

قبل از اینکه قرارداد رو فسخ کنیم بهتره متذکر بشم که تحت هیچ شرایطی نمی تونی با این شرکت ارتباط برقرار کنی.

Before I terminate the contract, I should mention that you can't under any circumstances communicate with this company.

قبل از اینکه حساب برات باز کنم، بهتره بهت متذکر بشم که به هیچ وجه نمی تونی زیر سه ماه پول از حسابت برداشت کنی.

Before I open account for you, I should mention that you can't take your money away from your account under 3 months in any way.

نگران نباش، بهت قول می دم **هر جور شده** راضیش می کنم.

in any way
در جمله منفی: به هیچ وجه
در جمله مثبت: هر جور شده

Don't worry, I promise I will **make** him **satisfied** in any way.

می تونم روت حساب باز کنم؟

Can I count on you?

هر جور شده مهمونی می آم.

I am coming to the party in any way.

قول می دم هر جور شده بدستت برسونمش.

I promise I will **hand** it to you in any way.

قبل از بستن قرار داد با شما، بهتره متذکر بشم که تمام مفاد قرار داد تا آخر سال ثابت هست.

Before I conclude the contract with you, I should mention that the terms of the contract **are firmed** to the end of the year.

همه رو دیشب جواب دادی.

You answered **them all** last night.

همه رو پاسخ دادم **فقط مونده** یه سؤال.

leave/left/left باقی ماندن

I have answered them all **that leaves only** one question.

همه بازیها انجام شدن فقط یه بازی مونده.

All the games have been done that leaves only one game.

من به همه خبر دادم، فقط به نفر مونده.

I have **informed** every one that leaves only one person.

ده دقیقه دیگه تا انتهای بازی مونده.

10 minutes have left to the end of the game.

چند دقیقه مونده؟

How many minutes have left?

فکر می کنم همه رو جواب دادی.

I think you have answered them all.

سؤالی باقی مونده؟

Any questions left?

سؤالی باقی نمونده.

No question has left.

Vocabulary

عملیات بانکی

Transaction

جریمه کردن

Fine/book

آژیر

Siren

توجه نکردن

Ignore

متوجه شدن

Notice

حکم دادگاه

Verdict

حکم بازرسی

Search warrant

حکم جلب

Warrant of arrest

یادآوری کردن

Recall

مرسی از اینکه نظر من رو به این نکته معطوف کردی

Thanks for bringing me that to my attention

Conversation text

A: Excuse me but I don't think you are allowed to pick the flowers.

B: Oh, how do you know I am not allowed?

A: Yes, there is a sign here that says so.

B: Please don't pick the flowers. Well now, I never even notice it, thanks for telling me.

A: You are welcome.

Proverb

you are more catholic than a pop.

کاسه داغ تر از آش